

ماهیت و موضوعات حقوقی کلیدی موافقت‌نامه پاریس در خصوص تغییرات اقلیمی

اعظم امینی*
حجت میان‌آبادی**
احسان دریادل***

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۸/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۲۷

چکیده

تمایز قائل شدن میان قالب حقوقی و ساختار موافقت‌نامه پاریس در کل و محتوای خاص مقررات و عناصر فردی این سند حائز اهمیت است. موافقت‌نامه پاریس طبق تعریف کنوانسیون وین در خصوص حقوق معاهدات یک معاهده است، اما همه مقررات این موافقت‌نامه تعهد حقوقی ایجاد نمی‌کند. موافقت‌نامه با پذیرش یک ساختار دوگانه، آمیزه‌ای از مقررات الزام‌آور و غیرالزام‌آور را در خود جای داده است. این موافقت‌نامه در بردارنده مجموعه‌ای از تعهدات سخت، نرم و موارد غیرتعهدآور است که مرز میان آنها نامشخص است، اما هریک از آنها نقش متمایز و ارزشمندی را ایفا می‌کنند. این مقاله با روش دگماتیسم و به صورت توصیفی-تحلیلی، قالب حقوقی، قلمرو اجرایی و ساختار دوگانه بالا به پایین و پایین به بالا موافقت‌نامه پاریس را مورد بحث قرار می‌دهد و شاخصه‌های تعیین میزان الزام‌آوری مفاد اصلی موافقت‌نامه پاریس را شناسایی می‌نماید و آنها را با تفکیک طیفی از تعهدات سخت، نرم و غیرتعهدآور که بیشترین تطابق را با آنها دارند، ارائه می‌نماید.

کلیدواژه‌گان:

تعهدات سخت، تعهدات نرم، تغییرات اقلیمی، قالب حقوقی، موافقت‌نامه پاریس.

* استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

amini.az@um.ac.ir

** استادیار دانشگاه تربیت مدرس تهران

hmianabadi@modares.ac.ir

*** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه شیراز

ehsandyadel2020@gmail.com

مقدمه

موافقت‌نامه پاریس در بیست و یکمین کنفرانس طرف‌های کنوانسیون چارچوب ملل متحد در خصوص تغییرات اقلیمی با حضور ۱۹۵ دولت و اتحادیه اروپا مورد پذیرش قرار گرفت. این سند حاصل چند سال مذاکره میان طرف‌های کنوانسیون چارچوب بود که از سال ۲۰۱۱ در دوران آغاز شده بود. طرف‌ها در سال ۲۰۱۱ در برنامه اقدام دوران خواستار وضع یک پروتکل، سند حقوقی دیگر یا یک نتیجه مورد توافق دارای اثر حقوقی که طبق کنوانسیون چارچوب به همه طرف‌ها قابل اعمال باشد، شدند. اما اینکه قالب حقوقی این سند چه باشد و چه نوع رویکرد ساختاری را دنبال کند و اینکه چه قلمرویی از موضوعات را در خود بگنجاند و نیز مقررات آن از چه مشخصه‌ای به لحاظ حقوقی برخوردار باشد، موضوعات بحث‌برانگیزی بودند که در طی این چند سال، مذاکرات بسیاری بر روی آن صورت گرفت تا در نهایت سند پاریس با عنوان «موافقت‌نامه پاریس» مورد پذیرش کشورها قرار گرفت. این سند به لحاظ ساختاری رویکرد دوگانه پایین به بالا و بالا به پایین را برگزید و قلمروهای متعدد موضوعی را در خود جای داده است، اما با وجود عنوان «موافقت‌نامه» بر روی این سند، چارچوب هنجاری ضعیف این سند سبب شده است که برخی پژوهشگران حقوقی آن را «موافقت‌نامه اختیاری» یا «بیانیه همراه با حسن نیت» توصیف کنند. به نظر می‌رسد برخلاف نظر این نویسندگان، موافقت‌نامه پاریس نه فقط معاهده‌ای الزام‌آور، بلکه حاوی یک سری تعهدات سخت نیز می‌باشد که طرف‌ها را به اجرای این تعهدات با یک شیوه ابتکاری ملزم می‌سازد.

این پژوهش بر آن است با روش دگماتیک و به صورت توصیفی - تحلیلی با مطرح کردن زمینه تاریخی و قواعد حقوقی بین‌المللی، قالب حقوقی موافقت‌نامه پاریس را مشخص سازد و سپس با تعیین ساختار و قلمرو موافقت‌نامه به بررسی پرسش‌های چالش‌برانگیز در خصوص مشخصه حقوقی مقررات موافقت‌نامه بپردازد. همچنین به تحلیل اینکه تا چه حد یک مقررره برای طرف‌ها حقوق و تکالیف ایجاد می‌کند و اینکه تا چه میزان استانداردهایی برای رفتار دولت‌ها تعیین می‌کند، مبادرت خواهد ورزید. پاسخ به این مسائل در پایان نیز این پژوهش با برشمردن

تعهدات سخت، نرم و موارد غیرتعهدآور موافقت‌نامه پاریس اهمیت هر یک از مفاد موافقت‌نامه را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۱. قالب حقوقی موافقت‌نامه پاریس

قالب حقوقی موافقت‌نامه پاریس از ابتدای شروع مذاکرات یک بحث کلیدی در کنفرانس پاریس بود. مذاکرات عمدتاً بر روی موافقت‌نامه تمرکز داشت، اما آنچه در نهایت مورد پذیرش قرار گرفت، با مخالفت برخی حقوق‌دانان روبرو شد. به طور مثال، آنه ماری اسلاتر،^۱ رئیس سابق انجمن آمریکایی حقوق بین‌الملل، آن را صرفاً یک بیانیه سیاسی می‌داند که هیچ الزام حقوقی به همراه ندارد^۲ و ریچارد فالك،^۳ دیگر پژوهشگر حقوق بین‌الملل، موافقت‌نامه پاریس را سندی اختیاری و داوطلبانه توصیف می‌کند.^۴ از این‌رو، پرسش اصلی این است که آیا موافقت‌نامه پاریس یک معاهده است و اگر چنین است آیا معاهده‌ای مستقل است یا اینکه در چارچوب کنوانسیون چارچوب قرار دارد؟

قالب حقوقی موافقت‌نامه پاریس ابتدا در پیش‌نویس برنامه کاری دوربان در سال ۲۰۱۱ مطرح شد که ارائه‌گر دستور کار مذاکرات پاریس بود.^۵ کارگروه ویژه برنامه اقدام دوربان، هیچ‌گونه تصمیمی در خصوص مسئله قالب حقوقی تا زمانی که مذاکرات وارد سال پایانی شد، اتخاذ نکرد. اما در پایان مذاکرات تصمیم‌گیری در خصوص اینکه قالب حقوقی، معاهده باشد یا تصمیم کنفرانس، اهمیت زیادی پیدا کرد؛ زیرا این مسئله بر ماهیت مقرراتی که هم لازم بود در این سند جای گیرد و هم الزامات رویه‌ای آن رعایت شوند، تأثیر داشت.^۶

معاهده از ویژگی‌هایی برخوردار است که دولت‌ها را به انتخاب این قالب ترغیب می‌سازد. این اسناد قابلیت پیش‌بینی دارند و قاطعیت و نیز امکان پاسخ‌گویی در سطح داخلی و بین‌المللی ایجاد

1. Anne Marie Slaughter.

2. Slaughter, A.M. "The Paris approach to global governance." *Project Syndicate* 28 (2015).p 12

3. Richard Falk.

4. Falk, R. "Voluntary International Law and the Paris Agreement" (16 January 2016), found at: <<https://richardfalk.wordpress.com/2016/01/16/voluntary-international-law-and-the-paris-agreement/>>.

5. Decision 1/CP.17, Establishment of an Ad Hoc Working Group on the Durban Platform for Enhanced Action (UN Doc. FCCC/CP/2011/9/Add.1, 15 March 2012).

6. Bodansky, D. "The legal character of the Paris Agreement." *Review of European, Comparative & International Environmental Law* 25.2 (2016): 142-150. P 5.

می‌کنند. نقض این مقررات هزینه‌های بیشتری را بر دولت‌ها تحمیل می‌نماید و همچنین با تغییرات سیاسی در داخل یک کشور همچنان به حیات خود ادامه می‌دهند.^۱ اما تصمیمات کنفرانس طرف‌ها در مفهوم رسمی، به لحاظ حقوقی الزام‌آور نیستند، مگر اینکه «معاهده مادر» مجوز صریحی به کنفرانس طرف‌ها برای اتخاذ تصمیمات الزام‌آور بدهد.^۲

نهایت آنکه با وجود اختلافات زیاد میان کشورهای مختلف، موافقت‌نامه پاریس در قالب یک معاهده بین‌المللی ایجاد شد. اما این سند با توجه به حساسیت‌های ایالات متحده که مطابق قانون داخلی‌اش که برخی معاهدات نیاز به تصویب کنگره و سنا ندارد، به جای اینکه پروتکل خوانده شود، تحت عنوان موافقت‌نامه مطرح گردید و صریحاً تحت ماده ۱۷ کنوانسیون چارچوب که بر تصویب پروتکل‌ها حاکم است، تصویب نشد.

موافقت‌نامه پاریس طبق تعریف کنوانسیون حقوق معاهدات، یک معاهده محسوب می‌شود؛ زیرا توافقی کتبی بین دولت‌ها است که حقوق بین‌الملل بر آن حاکم است. موافقت‌نامه مذکور نسبت به آن دولت‌هایی اعمال می‌شود که رضایت خود را از طریق تصویب، قبولی، تأیید یا الحاق به صراحت برای ملتزم شدن به آن ابراز داشته‌اند.^۳ طرف‌ها حق وارد نمودن هیچ‌گونه حق شرطی را به موافقت‌نامه نخواهند داشت^۴ و آنها می‌توانند از طریق ایفای برخی الزامات تشریفاتی از موافقت‌نامه کناره‌گیری کنند.^۵ این مفاد در موافقت‌نامه پاریس نیز نشان از معاهده بودن آن دارد.

اینکه برخی از حقوق‌دانان بی‌المللی، معاهده پاریس را یک بیانیه سیاسی یا سندی اختیاری و داوطلبانه می‌دانند، به دلیل قواعد برشمرده شده در موافقت‌نامه پاریس است. معاهدات عموماً تعهدات حقوقی الزام‌آوری را برای دولت‌ها طبق حقوق بین‌الملل ایجاد می‌کنند که باید با حسن نیت رعایت شوند.^۶ اما تعهدات در موافقت‌نامه پاریس از قاطعیت لازم حقوقی برخوردار نیستند. قالب حقوقی یک هنجار و قاعده رفتاری از میزان دقت آن متمایز است. البته هرچه یک هنجار

1. Dinah S., 'Introduction' in Dinah Shelton (ed), *Commitment and Compliance: The Role of Non-Binding Norms in the International Legal System* (OUP 2000) pp 8-13.

2. Brunnée, J. "COPing with consent: law-making under multilateral environmental agreements." *Leiden Journal of International Law* 15.1 (2002): pp1-52.

3. Paris Agreement (29 January 2016) FCCC/CP/2015/10/Add.1, Article 20.

4. Ibid, Article 27.

5. Ibid, Article 28.

6. Wewerinke-S. M. & Curtis D., (2016). "The Paris Agreement: Some Critical Reflections on Process and Substance", *UNSW Law Journal*, Vol. 39(4), p.1487.

دقیق تر باشد، موجب محدودیت بیشتر رفتاری می‌شود. اما هنجارهای حقوقی الزام آور امکان دارد بسیار مبهم باشند، درحالی که هنجارهای غیرحقوقی ممکن است کاملاً دقیق باشند. از سوی دیگر، الزام‌آوری حقوقی از اجرای یک مقررہ متمایز است. اجرا معمولاً مستلزم اعمال ضمانت جهت اجبار به رعایت تعهدات است. اجرا شرط ضروری برای یک سند یا یک هنجار از این باب که از لحاظ حقوقی الزام آور باشد، نیست. زمانی که یک هنجار از خلال یک فرایند قاعده‌سازی شناخته شده ایجاد می‌شود، آن هنجار از لحاظ حقوقی الزام آور است، چه ضمانت اجرای معینی برای نقض آن وجود داشته باشد یا خیر. اجرای یک مقررہ به قالب حقوقی وابسته نیست؛ زیرا هنجارهای غیرحقوقی نیز می‌توانند از طریق اعمال تضمین‌هایی اجرا شوند. موافقت‌نامه پاریس نه فقط جایگزین کنوانسیون چارچوب نمی‌شود، بلکه مکمل آن می‌باشد، به نحوی که دربردارنده عناصر موجود رژیم اقلیمی است.^۱ موافقت‌نامه مذکور توافقی ذیل کنوانسیون چارچوب ملل متحد در خصوص تغییرات اقلیمی قرار می‌گیرد. ماده ۲ موافقت‌نامه هدف آن را با الفاظ «جهت ارتقای اجرای کنوانسیون» آغاز می‌کند و بدین ترتیب، مرکزیت کنوانسیون را در ارزیابی نظام اقلیمی تضمین می‌کند.^۲ موافقت‌نامه پاریس مانند پروتکل کیوتو یک سند حقوقی تابع است. برخی مقررات کنوانسیون صراحتاً نسبت به اسناد حقوقی تابع اعمال خواهد شد.^۳

۳. ساختار موافقت‌نامه پاریس

در رژیم تغییرات اقلیمی سازمان ملل متحد همیشه این مسئله مورد بحث بوده است که تا چه میزان می‌توان به دولت‌ها در وضع سیاست‌ها و توسعه راهبردهای‌شان در زمینه تغییرات

1. Klein, D., Carazo, M.P., Doelle, M., Bulmer, J. and Higham, A. eds., 2017. *The Paris Agreement on Climate Change: Analysis and Commentary*. Oxford University Press. p 102.

۲. برای بحث‌های تفصیلی و تفسیرهای مختلف ر.ک.

Rajamani, L. "Ambition and differentiation in the 2015 Paris Agreement: Interpretative possibilities and underlying politics." *International & Comparative Law Quarterly* 65.2 (2016):pp 493-514. & Annalisa Savaresi, 'The Paris Agreement: A Rejoinder' (EJIL: Talk!, 16 February 2016) <<http://www.ejiltalk.org/the-parisagreement-a-rejoinder/>> accessed 24 April 2016.

۳. این مقررات شامل هدف کنوانسیون، اختیارات کنفرانس طرف‌ها برای بررسی اجرای کنوانسیون و هرگونه سند حقوقی وابسته و مقررات کنوانسیون در خصوص حل و فصل اختلافات می‌شود (مواد ۲، بند ۲ ماده ۷ و بند ۲ ماده ۱۴ کنوانسیون چارچوب).

اقلیمی آزادی عمل داد. از آنجا که تغییر اقلیم معضل قدیمی در زمینه اقدامات جمعی است، بسیاری معتقدند رویکرد بالا به پایین ضروری است و باید سیاست‌ها و اقدامات خاصی را تعریف کنند که طرف‌های معاهده برعهده بگیرند. بسیاری بر این باورند که تنها توافقات الزام آور حقوقی تضمین می‌نماید که سایرین منصفانه عمل کنند و ماهیت الزام آور، بهترین تضمین برای اجرای مؤثر آنها است.^۱ از سوی دیگر، بسیاری نیز بر این عقیده‌اند که تغییر اقلیم بسیاری از جنبه‌های سیاست داخلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و حساسیت‌های داخلی گسترده‌ای را برمی‌انگیزد و چون هر کشور بهتر از هر کسی از اوضاع داخلی خود مطلع است، نیازمند رویکرد پایین به بالا هستیم که به جای آنکه تعهداتی را بر دولت‌ها تحمیل نماید، کشورها خود را با توجه به ظرفیت‌های داخلی‌شان متعهد می‌سازند.^۲

در اصل، تاریخچه رژیم اقلیمی ملل متحد تاکنون شامل تغییراتی در این دو ساختار بوده است: کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد در خصوص تغییر اقلیم عناصر مربوط به هر دو ساختار را داراست. از یک سو، این کنوانسیون، سیستم تعهد و بررسی را ایجاد می‌نماید که در آن، دولت‌ها سیاست‌ها و اقدامات ملی تعیین شده را موقوف به بررسی بین‌المللی می‌کنند. از سوی دیگر، این سند هدف مربوط به انتشار گازهای گلخانه‌ای را برای کشورهای توسعه یافته و سایر طرف‌های مندرج در ضمیمه یک کنوانسیون مقرر می‌دارد.^۳

پروتکل کیوتو نشانگر رویکرد بالا به پایین به شکل تجویزی تری است. اگرچه این پروتکل به طرف‌ها امکان تصمیم‌گیری در خصوص نحوه اجرای اهداف خود در خصوص انتشار گازهای گلخانه‌ای را داده است، خود این اهداف در سطح بین‌المللی تعیین شده بودند و نه در سطح ملی.^۴ انتخاب این ساختار سبب جلب مشارکت کشورها نگردید. طرف‌های دارای اهداف مربوط به انتشار گازهای گلخانه‌ای در پایان اولین دوره پذیرش تعهدات در سال ۲۰۱۲ در خصوص رعایت تعهدات مورد ارزیابی واقع شدند، اما اینها فقط ۲۴ درصد میزان انتشار جهانی گازهای گلخانه‌ای

1. Winkler, H., and Judy B. "Fair and effective multilateralism in the post-Copenhagen climate negotiations." *Climate Policy* 10.6 (2010):pp 638-654. See also, Hare, W., et al. "The architecture of the global climate regime: a top-down perspective." *Climate policy* 10.6 (2010):pp 600-614.

2. Rayner, S. "How to eat an elephant: a bottom-up approach to climate policy." *Climate Policy* 10.6 (2010):pp 615-621.

3. Bodansky, D., Jutta B., and Lavanya R. 2017. Op.cit, P 65.

4. Ibid, P 65.

در سال ۲۰۱۰ را تشکیل می‌دادند و این مقدار در دوره دوم، یعنی سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۰، به کمتر از ۱۵ درصد رسید و برخی کشورها مثل ژاپن و روسیه از انجام تعهدات پروتکل کیوتو صرف نظر کردند.^۱

توافق کپنهاگ ساختار پایین به بالا را اتخاذ کرد و توانست مشارکت بیشتری نسبت به کیوتو جلب نماید. ۱۴۱ کشور تعهدات مربوط به انتشار گازهای گلخانه‌ای را طبق توافق کپنهاگ برعهده گرفته‌اند که بیش از ۸۵ درصد میزان جهانی انتشار گازهای گلخانه‌ای است. با این حال، مشارکت بیشتر ضرورتاً اثربخشی بیشتر را به دنبال ندارد؛ چراکه ناهمگونی بیشتر مشارکت کنندگان اغلب به قیمت بلندپروازی کمتر و قاطعیت کمتر تعهدات گردید. تعهدات کپنهاگ/کانکیون در میزان بلندپروازی خود وضعیتی متعادل داشتند و نیز در برخی موارد، به شدت بر اقدامات سایرین مقید و مشروط بودند.^۲ همچنین مشکل تعهدات کپنهاگ عدم شفافیت و آگاهی و تعیین مسئولیت دولت‌ها بود که رویکرد بالا به پایین را می‌طلبد.

برخلاف دستور مذاکرات مربوط به پروتکل کیوتو که خواستار اهداف کاهش و محدودیت کمی انتشار گازهای گلخانه‌ای از مذاکره‌کنندگان بود،^۳ برنامه اقدام دوربان هیچ‌گونه دستورالعمل دقیقی در خصوص مسئله ساختار موافقت‌نامه پاریس ارائه نمود. اگرچه این مسئله در یکی از بندهای مقدماتی موافقت‌نامه که «تحقق هدف کنوانسیون و تقویت رژیم چندجانبه قاعده‌محور را مقرر خواهد کرد»،^۴ شناسایی شد.

آنچه از برنامه‌های مشارکتی ارائه‌شده توسط طرف‌ها پیش از دوربان برمی‌آید، این است که برخی طرف‌ها خواهان ساختاری بالا به پایین بودند و سایرین خواستار حفظ استقلال تا حد ممکن بودند، اما همگرایی زیادی در خصوص یک رویکرد دوگانه وجود داشت که هر دو ساختار را با افزودن عناصر رویکرد بالا به پایین به رویکرد پایین به بالای توافق کپنهاگ و موافقت‌نامه‌های کانکیون با هم ادغام می‌کرد. تصمیمی که طرف‌ها در سال ۲۰۱۳ در کنفرانس ورشو به منظور تهیه برنامه‌های مشارکتی ملی در چارچوب موافقت‌نامه ۲۰۱۵ پاریس اتخاذ

1. Bodansky, D. "The Paris climate change agreement: a new hope." *American Journal of International Law* 110.2 (2016), p 19.

2. Bodansky, 2017, op.cit, p 65.

3. Decision 1/CP.1, 'The Berlin Mandate: Review of the adequacy of Article 4, paragraph 2(a) and (b), of the Convention, including proposals related to a protocol and decisions on follow-up' (6 June 1995) FCCC/CP/1995/7/Add.1, para 2.

4. Durban Platform, preambular recital 3.

کردند، این همگرایی در حال ظهور را منعکس نمود. این تصمیم زمینه را برای یک فرایند پایین به بالا ایجاد نمود که در آن هر دولت قادر به تعیین قاطعیت، قلمرو و قالب برنامه‌های مشارکتی خود خواهد بود. تصمیم مزبور با درخواست از طرف‌ها برای اعلام گزارش در خصوص برنامه‌های مشارکتی خود به شیوه‌ای که وضوح، شفافیت و آگاهی‌رسانی را تسهیل کند^۱ و با تصریح به انجام آن در صورت امکان تا سه ماهه اول سال ۲۰۱۵، یعنی قبل از شروع کنفرانس پاریس برای فرایند بررسی رسمی پیش از موعد، برخی ترتیبات بین‌المللی را معرفی نمود.^۲

موافقت‌نامه پاریس این ساختار دوگانه در حال ظهور را شکل می‌دهد؛ به صورتی که در این ساختار، محتوای رویکرد پایین به بالا به منظور افزایش مشارکت (مندرج در برنامه‌های مشارکتی ملی طرف‌ها)^۳ با فراگردی بالا به پایین برای ارتقای بلندپروازی^۴ و پاسخگویی (مندرج در مقررات تعیین شده بین‌المللی موافقت‌نامه در خصوص پیشرفت و بالاترین میزان بلندپروازی ممکن،^۵ اصل شفافیت،^۶ بررسی جامع و رعایت تعهدات^۷) ادغام می‌شود. مؤلفه پایین به بالای ساختار دوگانه موافقت‌نامه پاریس تقریباً در زمان شروع کنفرانس پاریس کامل شده بود. در طول سال ۲۰۱۵، هر دولت عملاً یک برنامه مشارکتی را تسلیم نمود.^۸ کنفرانس پاریس بر نیمه دیگر این معادله دوگانه، یعنی توسعه قواعد بین‌المللی سخت به منظور ارتقای بلندپروازی و پاسخ‌گویی تمرکز دارد (شکل شماره ۱).

1. Decision 1/CP.19, 'Further Advancing the Durban Platform' (31 January 2014) FCCC/CP/2013/10/Add.1, para 2(b).

2. Ibid.

3. Paris Agreement, Article 4(2).

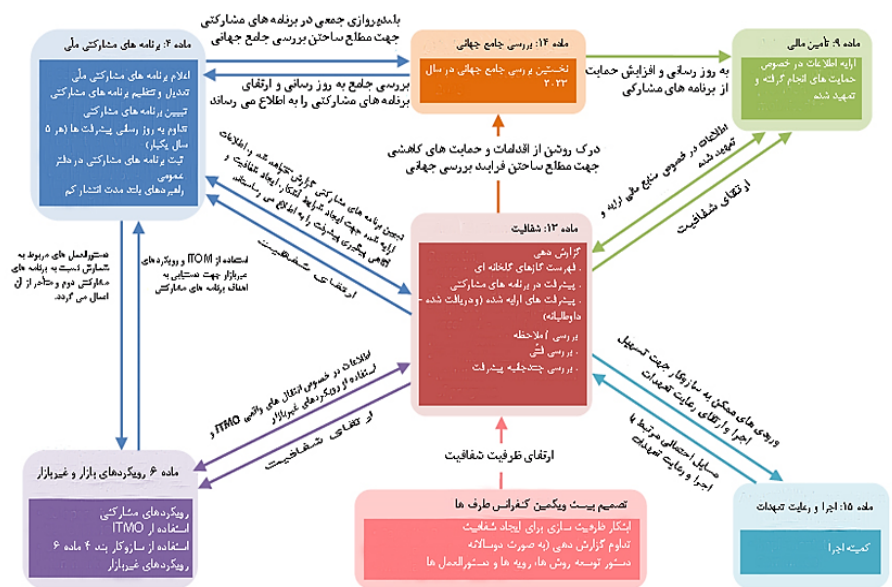
4. Ibid, Article 4(3).

5. Ibid, Article 14.

6. Ibid, Article 13.

7. Ibid, Article 15.

۸. از ۱۸۲ دولت ۱۵۴ دولت برنامه‌های مشارکتی خود را تا ۱ دسامبر ۲۰۱۵ در زمان آغاز کنفرانس پاریس ارائه کرده بودند. تا ۲۰ ژانویه ۲۰۱۷ نیز ۱۶۳ کشور از ۱۹۱ کشور برنامه‌های مشارکتی خود را ارائه کرده‌اند.



Source: Briner, G & Moarif S (2016). Enhancing Transparency of Climate Change Regime under the Paris Agreement: Lessons from Experience, Climate Change Expert Group, Paper No.2016 (4), OECD, p.11.

شکل شماره ۱

به‌طور کلی، رویکرد اتخاذی در موافقت‌نامه پاریس و حتی در معاهدات پیشین تغییر اقلیم نشانگر مدل مدیریتی و نه مدل اجرایی است. بدین معنی که این رویکرد تلاش نموده تا اقدامات ملی را از طریق ایجاد شفافیت، فشار سایر طرف‌ها و ظرفیت‌سازی و نه اجبار دولت‌ها به اقدام از طریق مقررات و تحریم‌های قانونی، تشویق و تسهیل کند.

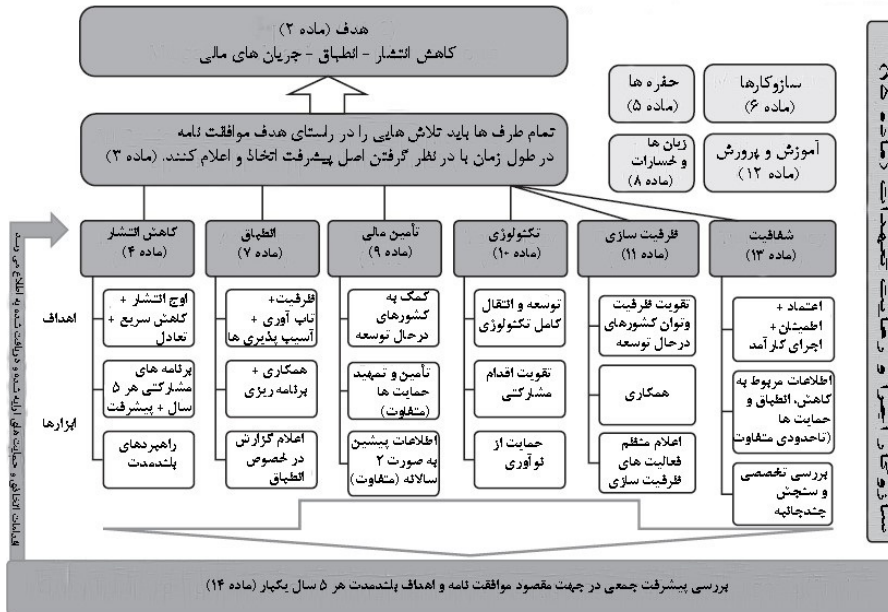
۳. قلمرو اجرایی موافقت‌نامه پاریس

سومین مسئله مهم در موافقت‌نامه پاریس که در مذاکرات منتهی به این سند حائز اهمیت بود، قلمرو اجرایی یا وسعت شمول موافقت‌نامه ۲۰۱۵ پاریس است. برنامه اقدام دوربان، مدنظر قرار دادن کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، انطباق با تغییر اقلیم، تأمین مالی، توسعه و انتقال تکنولوژی، شفافیت در اقدامات و حمایت‌ها و ظرفیت‌سازی را مقرر نمود.^۱ موافقت‌نامه زبان‌ها و

1. Decision 1/CP.17 "Establishment of an Ad Hoc Working Group on the Durban Platform for Enhanced Action" (11 December 2011) FCCC/CP/2011/9/Add.1, 2 (Durban Platform), para 5.

خسارات^۱ را به عنوان یک مسئله مهم نزد دولت های ساحلی کوچک و کشورهای دارای کمترین میزان توسعه یافتگی و نیز رعایت تعهدات^۲ را به عنوان مسئله مطلوب نزد ائتلافی گسترده تر از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مدنظر قرار می دهد. اگرچه موافقت‌نامه حاضر از نظر قلمرو موضوعات وسیع است، اما نحوه برخورد آن با این مسائل و مشخصه حقوقی مقررات در حوزه های مختلف متفاوت است.

ماده ۳ تعهدی را بر تمامی طرف های موافقت‌نامه مبنی بر انجام تلاش هایی در راستای نیل به آن هدف بار می کند. این ماده به تلاش های مشخص مندرج در مواد بعدی از جمله مواد ۴، ۷، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۳ اشاره می کند که حوزه های موضوعی سستی کنوانسیون چارچوب در خصوص کاهش انتشار گازهای گلخانه ای، انطباق با تغییر اقلیم، تأمین مالی، توسعه و انتقال تکنولوژی، ظرفیت سازی و گزارش دهی، بررسی و شفافیت را تحت پوشش قرار می دهد (شکل شماره ۲).



Source: Ralph B., Lena D. and Matthias D., 'The Paris Agreement: Analysis, Assessment and Outlook' (2016) 10 Carbon & Climate Law Review 18, p7.

شکل شماره ۲

1. Paris Agreement, Article 8.
2. Ibid, Article 15.

هریک از این مواد هدفی موضوعی را تعریف و معین می‌کنند. طرف‌ها چه اقدامی را باید انجام دهد تا به آن هدف دست یابند، اگرچه این مواد از نظر دقت و شمول تجویز با هم متفاوت هستند. درحالی که ماده ۲، هدف موافقت‌نامه پاریس را تعریف می‌کند، ماده ۳ مناط و موتور محرک موافقت‌نامه است؛ چراکه این ماده هدف مندرج در ماده ۲ را با تعهدات مشخص در سایر مواد مرتبط می‌سازد و طرف‌ها را به تلاش‌های بلندپروازانه و رو به افزایش در طول زمان ملزم می‌کند.^۱ مقررات مربوط به مخازن در ماده ۵، سازوکارهای مشارکتی در ماده ۶، زیان‌ها و خسارات در ماده ۸ و آموزش و آگاهی‌رسانی در ماده ۱۲، در ماده ۳ موافقت‌نامه فهرست نشده‌اند. بدین ترتیب، این مواد جزء شمول تعهدات عمومی در خصوص تلاش برای نیل به هدف موافقت‌نامه پاریس و پیشرفت در طول زمان نمی‌باشند.

موافقت‌نامه پاریس به نحو صریح بیان می‌دارد که تمامی طرف‌ها باید اقداماتی را در راستای نیل به هدف آن در خصوص کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، انطباق با تغییر اقلیم، ابزارهای اجرایی و شفافیت اتخاذ کنند. موافقت‌نامه مذکور با اضافه نمودن قید «در پرتو شرایط ملی متفاوت» در تعیین برنامه‌های مشارکت ملی اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت را به نحوی دیگر تکمیل می‌نماید و الحاق این قید می‌تواند طیف عواملی که ممکن است به عنوان مبنایی برای تعیین تمایز عمل کند، افزایش دهد. همچنین هر ماده رویکرد نسبتاً متفاوتی را به اصل تمایز دارد؛ بدین معنی که تعهدات اصلی در خصوص کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای از قبیل ارائه برنامه مشارکتی ملی و در خصوص شفافیت، در واقع، نسبت به تمام طرف‌ها همراه با در نظر گرفتن اصل تمایز و انعطاف‌پذیری اعمال می‌شوند. موافقت‌نامه پاریس همچنین شرایط ویژه کشورهای دارای کمترین میزان توسعه‌یافتگی، دولت‌های ساحلی کوچک در حال توسعه در زمینه برنامه‌های مشارکتی ملی، تأمین مالی، ظرفیت‌سازی و شفافیت را مورد شناسایی قرار می‌دهد.

۴. مشخصه حقوقی مقررات موافقت‌نامه پاریس

مشخصه حقوقی مقررات به این موضوع اشاره دارد که مقررات تا چه حد حقوق و تکالیفی را برای طرف‌ها ایجاد می‌کنند، تا چه میزان استانداردهایی را برای رفتار دولت‌ها تعیین می‌کنند و تا

1. Klein, D., Carazo, M.P., Doelle, M., Bulmer, J. and Higham, A. eds., 2017, op.cit, p 95.

چه اندازه خود را مصروف ارزیابی رعایت یا عدم رعایت تعهدات و تحقق پیامدهای ناشی از آن می‌کنند.^۱ در نهایت، مشخصه حقوقی یک مقررره می‌تواند میزان اثربخشی آن را در اجبار به تغییر یک رفتار به سمت رفتاری مطلوب، به منظور تحقق هدف موافقت‌نامه تعیین کند.

در مذاکرات پاریس، طرف‌ها با درک این واقعیت که سند مزبور دربردارنده طیفی از مقررات دارای مشخصه حقوقی متفاوت خواهد بود، به نحوی که برخی از این مقررات دارای الزام حقوقی بیشتری نسبت به برخی دیگر از مقررات آن هستند،^۲ بر سر الزام‌آوری حقوقی موافقت‌نامه ۲۰۱۵ پاریس توافق نمودند. در این بخش، ابتدا شاخصه‌های تعیین میزان الزام‌آوری معاهدات تبیین می‌شود. سپس با مذاکره در مقررات موافقت‌نامه پاریس، میزان الزام‌آوری آنها به لحاظ نوع مقررات از طیف سخت، نرم یا غیرتعهدآوری مفاد مختلف موافقت‌نامه تشریح و مشخص می‌شود.

۴.۱. شاخصه‌های تعیین میزان الزام‌آوری موافقت‌نامه پاریس

هرچند کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات قاعده اصل وفای به عهد را اعلام می‌کند که طبق آن چنین مقرر شده است: یک معاهده نسبت به طرف‌های آن لازم‌الاجرا است و باید به وسیله آنها با حسن نیت انجام گیرد،^۳ اما این بدان معنی نیست که هر مقررره ای در یک معاهده برای تک طرف‌ها ایجاد یک تعهد حقوقی می‌کند. معاهدات اغلب دربردارنده طیفی از انواع مختلف مقررات هستند: تعهدات، توصیه‌ها، نظارت‌های واقعی، بیان دیدگاه‌های طرف‌ها و غیره. چندین عنصر به منظور تعیین مشخصه حقوقی وجود دارد که شامل موارد زیر می‌شود، هر چند که محدود به این موارد نیست:^۴

1. Kenneth A. and Duncan S., "Hard and Soft Law in International Governance" [2000] 54 Intl Org pp423-426.

۲. برای مثال، ایالات متحده پیش‌بینی نمود که برخی عناصر در سطح بین‌الملل به لحاظ حقوقی الزام‌آور خواهد بود.

3. Vienna Convention on the Law of Law of Treaties (adopted 23 May 1969, entered into force 27 January 1980) 8 ILM 679 (Vienna Convention), Article 26.

4. Rajamani, L. "The 2015 Paris Agreement: Interplay between Hard, Soft and Non-Obligations." *Journal of Environmental Law* 28.2 (2016):pp 337-358. See also, Werksman, Jake. "Legal symmetry and legal differentiation under a future deal on climate." *Climate Policy* 10.6 (2010):pp 672-677.; Bodansky, Daniel. "The legal character of the Paris Agreement." *Review of European, Comparative & International Environmental Law* 25.2 (2016):pp 142-150.

۴.۱.۱. محل

محلّی که مقررات در موافقت‌نامه قرار می‌گیرند، اهمیت دارد. برای مثال، اگر یک مقرر در مقدمه واقع شود، آن مقرر جزئیات بیشتری در خصوص سیاق عبارات ارائه می‌کند و رنگ، بافت و سایه را به تفسیر موافقت‌نامه از جمله در تعیین هدف و مقصود موافقت‌نامه اضافه می‌کند، اما به خودی خود برای طرف‌ها حقوق و تکالیفی ایجاد نمی‌کند.^۱ در مقابل، اگر یک مقرر در بخش اجرایی معاهده واقع شود، ظرفیت ایجاد حقوق و تکالیف را برای طرف‌ها دارد.

۴.۱.۲. مخاطب

اینکه مخاطب یک مقرر چه کسی باشد یا اینکه چه کسی را به عنوان بازیگران امر مورد شناسایی قرار می‌دهد، اهمیت بسزایی دارد. اگر مخاطب مقرر «هر طرف» باشد، نشانگر تعهدی فردی است. اگر مخاطب مقرر «تمام طرف‌ها» باشد، می‌تواند نشانگر تعهدی جمعی باشد. اگر مقرر به «طرف‌ها» اشاره دارد، در برخی موارد بسته به سیاق عبارت، می‌تواند تعهد مشارکتی یا جمعی باشد و در سایر موارد، می‌تواند ارجاع بدون قید (عمومی) یا به صورت جهانی به «طرف‌ها» باشد که ضرورتاً نشانگر تعهدی جمعی یا مشارکتی نیست. اگر مخاطب مقرر «کشورهای توسعه یافته عضو» یا «کشورهای در حال توسعه عضو» باشد، در صورتی که مقرر لحن مجهول را مورد استفاده قرار دهد و هیچ مخاطبی شناسایی نشود، ممکن است انتظاراتی را از نظام و نهادهای آن ایجاد کند.

۴.۱.۳. محتوای هنجاری

اینکه یک مقرر کیفیت هنجارسازی را دارد یا خیر، حائز اهمیت است. برای مثال، اگر مقرر الزاماتی را بر دولت‌ها تحمیل یا استانداردهایی را برای رفتار آنها تعیین نکند، به نوبه خود برای طرف‌ها حقوق و تکالیفی را ایجاد نمی‌کند.

۴.۱.۴. لحن

نحوه جمله‌سازی مقرر دارای اهمیت است. اگر یک مقرر لحن امری «باید» استفاده کند، معمولاً حقوق و تکالیفی را برای طرف‌ها ایجاد می‌کند. اگر از واژه «خواهد» استفاده کند، به طور ضمنی دلالت بر یک وعده یا انتظار دارد. اگر از اصطلاحاتی چون «بایستی»، «تلاش می‌دارد»

1. See, Gardiner, R. K. Treaty interpretation. Oxford University Press, USA, 2015.

یا «تشویق می‌کند» استفاده کند، جنبه توصیه ای دارد. همچنین ممکن است از لحن جملات به تعهد به نتیجه یا تعهد به وسیله بودن نوع تعهدات پی برد. در تعهدات به وسیله طرف‌ها ملزم می‌گردند تمام تلاش و امکانات خود را به کار گیرند تا به نتیجه مورد تعهد نائل شود، لیکن رسیدن به نتیجه تضمین نمی‌گردد، اما در تعهد به نتیجه، متعهد نتیجه معینی را بر عهده می‌گیرد.

۴.۱.۵. دقت

اینکه مقررات چقدر دقیق هستند، دارای اهمیت است. هرچه مقررات دقیق تر باشند، احتمال اینکه آن مقرره استانداردهایی تعیین کند یا خود را مصروف ارزیابی اجرا یا عدم اجرا سازد، بیشتر می‌شود. اگر یک مقرره از لحن اختیاری، مشروط یا بافتاری^۱ استفاده کند (با استفاده از عبارت‌هایی مثل «به نحو مقتضی»)، فضا را برای تفسیر به رأی شخصی توسط طرف‌ها وسیع خواهد کرد و فضا را برای اجرای هماهنگ محدود می‌کند. اگر یک مقرره اهدافی را تعیین کند یا اقدامی را تجویز نماید، اما در خصوص اینکه چگونه آن آرمان برآورده شود یا اقدامات انجام گیرد، مبهم باشد، نمی‌تواند امکان اجرای آن را فراهم کند.

۴.۱.۶. نظارت

اینکه چه سازوکارهایی برای تضمین نظارت مورد استفاده قرار می‌گیرد، حائز اهمیت است. هرچه نظام نظارتی همراه با شفافیت، پاسخ‌گویی، بررسی جامع جهانی و روش اجرا قوی‌تری باشد، احتمال اینکه دولت‌ها مطابق تعهدات‌شان رفتار کنند و در جایگاهی باشند که از بقیه درخواست اجرا داشته باشند، بیشتر می‌شود.

با در نظر گرفتن این عوامل، موافقت‌نامه پاریس در بردارنده مقرراتی است که در سراسر طیف مشخصه حقوقی پراکنده است: جدول ذیل درصدد است که تصویری از این وسعت مقررات و سطوح سلسله‌وار تعهدات معاهداتی ارائه دهد که برای تحقق هدف موافقت‌نامه به صورت جمعی طراحی شده است.

1. Contextual:

در متون حقوقی این واژه به معنی «وابسته به فحوا و متن» و «وابسته به بافت» متن مورد نظر ترجمه می‌شود.

۵. نوع مقررات اتخاذی در موافقت‌نامه پاریس

۵.۱. مقررات سخت

مقررات سخت مقرراتی هستند که برای طرف‌ها حقوق و تکالیف ایجاد می‌کنند، استانداردهایی را تعیین می‌کنند و خود را مصروف اجرا یا عدم اجرا می‌سازند. مسئله در خصوص تعهدات فردی (هر طرف) بدین نحو است که با الفاظ الزام آور (باید) و با چارچوب هنجاری روشن و دقیق و بدون هیچ عنصر مشروط یا اختیاری تنظیم شده است. چنین مقرراتی می‌توانند تحت عنوان تعهدات سخت توصیف شوند.^۱ تعهدات سخت در موافقت‌نامه پاریس به بحث کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و شفافیت مربوط است. در واقع، تنها تعهد فردی (هر طرف) که در قالب الفاظ دستوری (باید) بدون هیچ گونه عنصر مشروط یا اختیاری آمده است، در ارتباط با کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و شفافیت می‌باشد.

مقررات مربوط به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و شفافیت متمایز هستند؛ بدین معنی که این مقررات با مفاهیم قواعد سخت بیش از سایر مقررات در موافقت‌نامه تطابق دارند. تعهدات سخت در خصوص کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای با تعهدات سخت مرتبط با شفافیت^۲ و پاسخ‌گویی^۳ مطابقت دارند، درحالی‌که مشخصه حقوقی این مقررات را تقویت می‌کنند. این سازوکارهای نظارتی، بررسی حمایت‌های فنی و بررسی چندجانبه پیشرفت را دربرمی‌گیرد.^۴ همچنین دست‌آویزهایی برای ایجاد یک سیستم جامع جهانی به منظور ارزیابی پیشرفت جمعی برای نیل به هدف موافقت‌نامه^۵ و برقراری سازوکاری اجرایی به منظور تسهیل اجرای مقررات موافقت‌نامه و افزایش متابعت از این مقررات^۶ وجود دارد.

هرچند حتی در حوزه کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، با توجه به دیدگاه‌های عمیقاً تثبیت‌شده و متفاوت طرف‌ها، هر مقرر در بردارنده آمیزه‌ای از عناصر مربوط به مشخصه حقوقی است که به دقت به صورت قاعده‌مند و اصولی درآورده شده است. این مسئله در بند ۲ ماده ۴ که

1. Shelton, D., ed. *Commitment and compliance: The role of non-binding norms in the international legal system*. Oxford University Press on Demand, 2003. Pp 10-13.

2. Paris Agreement, Article 4(8)& 13.

3. Ibid, Article 4(13).

4. Ibid, Article 13(11).

5. Ibid, Article 14.

6. Ibid, Article 15.

در قلب بخش کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای موافقت‌نامه می‌باشد، نشان داده شده است. این ماده مقرر می‌دارد که «هر طرف باید برنامه‌های مشارکتی پی‌درپی تعیین‌شده در سطح ملی را که درصدد است بدان دست یابد، تهیه، اعلام و حفظ کنند. طرف‌ها باید اقدامات داخلی مربوط به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای را با هدف دستیابی به اهداف چنین برنامه‌های مشارکتی دنبال کنند.» این مقرر نسبت به «هر طرف» اعمال می‌شود و از فعل امری «باید» در ارتباط با تهیه، اعلام گزارش و حفظ برنامه‌های مشارکتی ملی و نیز پیگیری اقدامات داخلی استفاده می‌کند.^۱ این مقرر همچنین اقدامات مشخص و تعریف شده‌ای را تجویز می‌کند که به وسیله طرف‌ها باید به عهده گرفته شوند. در نتیجه، تعهدات الزام‌آور فردی را برای طرف‌ها ایجاد می‌کند. اگرچه در احترام به دیدگاه طرف‌های خاص، بند ۲ ماده ۴ دربردارنده تعهدات رفتاری و نه تعهدات قائل به نتیجه هستند.

اصطلاح «در نظر دارد که بدان دست یابد» در صدر ماده، انتظار همراه با حسن نیتی را ایجاد می‌کند که طبق آن طرف‌ها در نظر دارند به اهداف برنامه‌های مشارکتی خود دست یابند، اما بدون ملزم نمودن آنها به چنین کاری متوقف می‌شود. قید دوم در جمله دوم، «با هدف دستیابی به هدف چنین برنامه‌های مشارکتی»، کارکرد مشابهی دارد. این قید طرف‌ها را ملزم می‌کند که درصدد باشند به اهداف برنامه‌های مشارکتی‌شان دست یابند. بنابراین طرف‌ها تعهدات رفتاری الزام‌آوری را به منظور تهیه، اعلام و حفظ برنامه‌های مشارکتی و نیز پیگیری اقدامات داخلی دارند. همچنین انتظار می‌رود که طرف‌ها با حسن نیت بر آن باشند که به اهداف برنامه‌های مشارکتی‌شان دست یابند و درصدد چنین امری برآیند^۲ و اینکه طرف‌ها را ملزم به بررسی چندجانبه تسهیل‌کننده پیشرفت مربوط به اجرا و دستیابی به اهداف چنین برنامه‌هایی می‌کند.^۳ بند ۲ ماده ۴ نیز کارکرد دیگری دارد. این ماده به شکل سفت و سخت به برنامه‌های مشارکتی تعیین شده در سطح ملی در موافقت‌نامه پاریس توسل می‌جوید. این ماده تضمین می‌کند که این

۱. با توجه به اینکه جمله دوم بند ۲ ماده ۴ به وسیله جمله اول این بند تنظیم شده و ناشی از آن است، اگرچه این بند از اصطلاح «طرف‌ها» استفاده می‌کند، مسلماً مقصود از «طرف‌ها» در اینجا نشانگر یک تعهد جمعی برای همه طرف‌ها نیست، بلکه این اصطلاح صرفاً برای اشاره به مطلق طرف‌ها به صورت کلی استفاده شده است.

2. Parsi Agreement, Article 13(7)(b).

3. Ibid, Article 4(12).

برنامه‌های مشارکتی بخش لاینفک موافقت‌نامه پاریس هستند، علی‌رغم این حقیقت که آنها باید در دفتر ثبت عمومی توسط دبیرخانه بایگانی شوند تا اینکه به موافقت‌نامه پیوست گردند.

جدول ۱: مقررات سخت مندرج در موافقت‌نامه پاریس

موضوع / مخاطب	مقررات تعهدآور	مقررات انتظارزا
فردی (هر طرف یا یک طرف)	<p>کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای:</p> <p>۴ (۲): هر طرف برنامه‌های مشارکت تعیین شده پی‌درپی در سطح ملی را که قرار است بدان دست یابد، باید تهیه، اعلام و حفظ نمایند. طرف‌های موافقت‌نامه باید اقدامات داخلی را در جهت کاهش گازهای گلخانه‌ای با هدف دستیابی به مقاصد چنین برنامه‌های مشارکتی دنبال کنند.</p> <p>۴ (۹): هر طرف باید برنامه مشارکتی تعیین شده در سطح ملی را هر ۵ سال یک بار اعلام نمایند.</p> <p>۴ (۱۷): هر طرف موافقت‌نامه‌ای که به صورت مشترک اقدام می‌کند، باید مسئول سطح انتشار گازهای گلخانه‌ای خود مندرج در مفاد موافقت‌نامه مشترک خود باشد.</p> <p>انطباق با تغییرات اقلیمی:</p> <p>۷ (۹): هر طرف باید به نحو مقتضی در فرایندهای طرح‌ریزی انطباق و انجام اقدامات مشارکت کند.</p> <p>• شفافیت:</p> <p>۱۳ (۷): هر طرف باید به طور منظم اطلاعات مربوط به فهرست ملی منابع انتشار گازهای گلخانه‌ای را تهیه کند و</p>	<p>کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای:</p> <p>۴ (۳): برنامه مشارکتی پی‌درپی تعیین شده در سطح ملی هر طرف نشان‌دهنده پیشرفتی و رای برنامه جاری مشارکتی تعیین شده در سطح ملی آن طرف خواهد بود.</p>

	<p>پیشرفت انجام گرفته در اجرای برنامه‌های مشارکتی تعیین شده در سطح ملی خود را دنبال کند. ۱۳ (۱۱): اطلاعات ارائه شده به وسیله هر طرف باید مورد بررسی تخصصی فنی قرار گیرد. ۱۳ (۱۱): هر طرف باید بررسی تسهیل‌کننده چندجانبه‌ای در خصوص میزان پیشرفت به منظور تلاش برای تأمین مالی و اجرای برنامه‌های مشارکتی تعیین شده در سطح ملی و دستیابی به آن انجام دهند.</p>	
<p>بدون قید (مطلق) (طرف‌ها یا تمام طرف‌ها)</p>	<p>میان بخشی: ۳: تمام طرف‌ها باید تلاش‌های بلندپروازانه مندرج در مواد ۴، ۷، ۹، ۱۰ و ۱۱ را بر عهده گیرند و آن را گزارش کنند. کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای: ۴ (۸): در اعلام گزارش در خصوص برنامه مشارکتی تعیین شده در سطح ملی، تمام طرف‌ها باید اطلاعات لازم را برای تشریح، شفافیت و آگاهی از وضع موجود ارائه کنند. ۴ (۱۳): طرف‌ها باید در بررسی برنامه‌های مشارکتی تعیین شده خود در سطح ملی، این برنامه‌ها را تشریح کنند. طرف‌ها باید انسجام زیست‌محیطی، شفافیت، دقت، تمامیت، قیاس‌پذیری</p>	<p>میان‌بخشی: ۳: ضمن تصدیق نیاز به حمایت از کشورهای در حال توسعه عضو برای اجرای مؤثر این موافقت‌نامه، تلاش‌های همه طرف‌ها نشانگر پیشرفتی در طول زمان خواهد بود.</p>

	<p>و هماهنگی را ارتقا بخشند و پرهیز از شمارش مجدد را تضمین کنند.</p> <p>۴ (۱۶): طرف‌هایی که به توافقی جهت اقدام مشترک دست یافته‌اند، باید مفادی آن موافقت‌نامه را، شامل سطح انتشار گازهای گلخانه‌ای تخصیص یافته به هر طرف، به دبیرخانه اعلام کنند.</p> <p>۴ (۱۵): طرف‌ها باید نگرانی‌های کشورهای که اغلب تحت تأثیر اثر اقدامات واکنشی هستند، در اجرای این موافقت‌نامه مطمح نظر قرار دهند.</p> <p>رویکردهای بازار محور:</p> <p>۶ (۲): طرف‌ها باید در هنگام انجام رویکردهای مشارکتی بازار-محور، توسعه پایدار را ارتقا بخشند و شفافیت و انسجام زیست‌محیطی را از جمله در نظارت تضمین کنند و سیستم قوی محاسبه سطوح و تغییرات انتشار ناشی از منابع انسانی یا حذف آنها به وسیله مخازن را اعمال کنند.</p> <p>تکنولوژی:</p> <p>۱۰ (۲): طرف‌ها باید اقدام مشارکتی در خصوص توسعه و انتقال تکنولوژی را تقویت کنند.</p> <p>ظرفیت‌سازی:</p> <p>۱۱ (۴): در ارتقای ظرفیت کشورهای در حال توسعه، تمام</p>	
--	---	--

	طرف‌ها باید به طور منظم در خصوص اعمال یا اقدامات مربوط به ظرفیت‌سازی اعلام گزارش کنند.	
جمعی یا مشارکتی) طرف‌ها یا همه طرف‌ها	آموزش، آگاهی‌رسانی و مشارکت عمومی: ۱۲ (طرف‌ها باید در اتخاذ اقدامات جهت ارتقای پرورش، آموزش، آگاهی‌رسانی عمومی، مشارکت عمومی و دسترسی عمومی به اطلاعات مربوط به تغییرات اقلیمی به نحو مقتضی همکاری کنند.	

۵.۲. مقررات نرم

اینها مقرراتی هستند که به جای اینکه تعهدات دستوری فردی را وضع کنند، بازیگران (هر طرف یا تمام طرف‌ها) را مورد شناسایی قرار می‌دهند، اقدامات را به تمام طرف‌ها یا گروهی از طرف‌ها توصیه یا مورد تشویق قرار می‌دهند یا آرمان‌هایی را برای تمام طرف‌ها یا گروهی از طرف‌ها تعیین می‌کنند. بسیاری از این مقررات در بردارنده عناصر مشروط یا اختیاری هستند.^۱ اکثریت تعهدات در خصوص کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای،^۲ انطباق با تغییرات اقلیمی،^۳ زیان‌ها و خسارات،^۴ تأمین مالی،^۵ تکنولوژی^۶ و ظرفیت‌سازی^۷ تعهدات نرم هستند. بند ۹ ماده ۷ با این عبارت که «هر طرف در برنامه‌ریزی در جهت ایجاد انطباق با تغییرات اقلیمی و اجرای اقدامات مربوط به انطباق با تغییرات اقلیمی به نحو مقتضی مشارکت می‌کند.» یک تعهد فردی الزام‌آور در ارتباط با برنامه‌ریزی انطباق با تغییرات اقلیمی ایجاد می‌کند که به وسیله عبارت «به

1. See, Handl, G. F., et al. "A hard look at soft law." *Proceedings of the Annual Meeting (American Society of International Law)*. The American Society of International Law, 1988.

2. Paris Agreement, Article 4(3)(4).

3. Ibid, Article 7(7)(10).

4. Ibid, Article 8(3).

5. Ibid, Article 9(2)(3)(5)(7).

6. Ibid, Article 10(1).

7. Ibid, Article 11(3).

نحو مقتضی» مشروط (مقید) شده و به این ترتیب تعهد را نرم نموده است.^۱ یک تعهد مشارکتی دستوری در باره آموزش و مشارکت عمومی در خصوص تغییرات اقلیمی وجود دارد، اما این تعهد نیز با قید «به نحو مقتضی» مقید شده است.^۲ یک تعهد دستوری بدون قید (عمومی) نیز بر عهده طرف‌ها گذاشته شده است که توسعه و انتقال فناوری را تقویت کنند، اما از آنجایی که هیچ‌گونه دستورالعمل دقیقی در خصوص نحوه اجرای آن وجود ندارد، در عمل کارکرد آن جنبه تعهد نرم را دارد.^۳

علاوه بر موارد فوق، یک تعهد دستوری به منظور ارائه گزارش در خصوص اقدامات ظرفیت‌سازی انجام گرفته توسط طرف‌ها وجود دارد^۴ که بدین ترتیب، باعث تقویت شفافیت می‌شود. اما تعهد به ارتقای ظرفیت‌سازی با فعل مجهول طرح شده است و وظیفه انجام چنین کاری را بر دوش طرف‌ها، چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی، قرار نمی‌دهد.^۵ تعهدات دستوری برای کشورهای توسعه یافته عضو در ارتباط با تأمین مالی وجود دارد، اما این در ادامه تعهدات موجود آنهاست تا اینکه تعهدات اساسی تازه‌ای ایجاد کنند.^۶ به اندازه‌ای که تعهدات دستوری جدید در خصوص ظرفیت‌سازی ایجاد شده، این تعهدات به ارائه گزارش درباره حمایت‌های انجام گرفته مربوط می‌شود.^۷ ذکر این نکته ضروری است که مقررات مربوط به حمایت از کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، انطباق با تغییرات اقلیمی، تکنولوژی و شفافیت در قالب الفاظ دستوری، اما با فعل مجهول آمده و طرفی را که مسئول ارائه چنین حمایتی است، شناسایی نمی‌کند.^۸

بند ۴ ماده ۴ موافقت‌نامه مقرر می‌دارد: «کشورهای درحال توسعه عضو بایستی به رهبری خود در خصوص تعهد به اهداف کاهش مطلق انتشار گازهای گلخانه‌ای پوشش‌دهنده سراسر بخش‌های اقتصاد ادامه دهند و کشورهای درحال توسعه عضو بایستی به افزایش تلاش‌های خود در خصوص کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای ادامه دهند و در طول زمان به حرکت به سوی

1. Ibid, Article 7(9).

2. Ibid, Article 12.

3. Ibid, Article 10(2).

4. Ibid, Article 11(4).

5. Ibid, Article 11(5).

6. Ibid, Article 9(1).

7. Ibid, 2(5), 9(7), and 13(9).

8. Ibid, 4(5), 7(13), 10(6), 13(13) and 13(14).

اهداف محدودکننده یا کاهش دهنده انتشار گازهای گلخانه‌ای پوشش دهنده سراسر بخش‌های اقتصاد در پرتو شرایط ملی متفاوت تشویق شوند.^۱ براین اساس، این بند ماده ۴ تعهدات را بر بازیگران نامعین از کشورهای توسعه یافته یا در حال توسعه عضو بار می‌کند. این ماده از الفاظ توصیه‌ای (باید و تشویق می‌شوند به) استفاده می‌کند که مسلماً انتظارات هنجاری قوی‌ای برای طرف‌ها وضع می‌کند. هرچند این مقرر هیچ‌گونه تعهد تازه‌ای برای طرف‌ها ایجاد نمی‌کند و بنا بر چنین قصدی هم نبوده است. این مقرر کشورهای توسعه یافته را ملزم می‌کند تا به اهداف کاهش مطلق انتشار گازهای گلخانه‌ای که طبق توافقات کانکیون^۲ برعهده گرفته بودند و در برنامه‌های مشارکتی موردنظر تعیین شده در سطح ملی خود بدان ملتزم شده‌اند، متعهد بمانند. این مقرر دولت‌های در حال توسعه عضو را به افزایش تلاش‌های خود در خصوص کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای که در دهه اخیر انجام داده‌اند، ملزم می‌کند. این مقرر همچنین آنها را به حرکت به سوی اهداف پوشش دهنده سراسر بخش‌های اقتصاد در پرتو شرایط ملی متفاوت در طول زمان تشویق می‌کند.

نمونه دیگر از یک تعهد نرم در خصوص کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای بند ۳ ماده ۴ است که مقرر می‌دارد برنامه‌های مشارکتی تعیین شده در سطح ملی هر طرف نشانگر پیشرفتی و رای برنامه مشارکتی جاری و منعکس‌کننده بیشترین خواست ممکن آن طرف خواهد بود. در حالی که مسئولیت مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های مربوط آن را در پرتو شرایط ملی متفاوت نشان می‌دهد. این مقرر به «هر طرف» اعمال می‌شود و بدین ترتیب یک تعهد فردی است. استفاده از فعل کمکی «خواهد» نشان دهنده یک تعهد قوی و نه دستوری است که طبق آن هر طرف اقدامات بلندپروازانه بیشتری را در طول زمان برعهده خواهد گرفت. مقرر مربوطه، تعیین تکلیف در خصوص ماهیت برنامه‌های مشارکتی دولت‌ها و اینکه چگونه چنین برنامه‌هایی بیشترین خواست دولت‌ها و مسئولیت مشترک اما متفاوت و ظرفیت‌های مربوطه آنها را در پرتو شرایط ملی نشان می‌دهد، به تصمیم و عزم ملی وامی‌گذارد.^۳

1. Ibid, Article 4(4).

2. Cancun Agreements.

3. Van Asselt, H. **International climate change law in a bottom-up world** (2016). <http://www.qil-qdi.org/international-climate-changelaw-bottom-world/> accessed 24 April 2016.

جدول ۲: مقررات نرم مندرج در موافقت‌نامه پاریس

موضوع / مخاطب	مقررات تشویقی	مقررات توصیه‌ای
فردی (هر طرف یا یک طرف)		<p>انطباق با تغییرات اقلیمی :</p> <p>۷ (۱۰): هر طرف می‌بایست به نحو مقتضی گزارشی مبنی بر انطباق با تغییرات اقلیمی را به صورت دوره‌ای ارائه و به روزرسانی کنند.</p> <p>۱۳ (۸): هر طرف می‌بایست همچنین اطلاعات مرتبط با آثار تغییرات اقلیمی و انطباق با تغییرات اقلیمی را به نحو مقتضی ارائه کند.</p>
جمعی یا مشارکتی (طرف‌ها یا همه طرف‌ها)		<p>انطباق با تغییرات اقلیمی :</p> <p>۷ (۷): طرف‌ها می‌بایست همکاری در جهت اقدام بیشتر در خصوص انطباق با تغییرات اقلیمی را تقویت کنند.</p> <p>زیان‌ها و خسارات:</p> <p>۸ (۳): طرف‌ها بایستی به نحو مقتضی آگاهی، اقدام و حمایت را از جمله از طریق سازوکار بین‌المللی ورشو بر مبنای مشارکتی و تسهیل‌کننده با توجه به زیان‌ها و خسارات مرتبط با تأثیرات مخرب تغییرات اقلیمی افزایش دهند.</p> <p>ظرفیت‌سازی :</p>

		<p>۱۱ (۳): تمام طرف‌ها می‌بایست به منظور افزایش ظرفیت کشورهای در حال توسعه عضو برای اجرای این موافقت‌نامه همکاری کنند.</p>
<p>بدون قید (مطلق) (طرف‌ها یا تمام طرف‌ها)</p>	<p>مخازن: ۵ (۲): طرف‌ها به منظور اجرا و پشتیبانی از کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای ناشی از جنگل‌زدایی و تخریب جنگل‌ها به اتخاذ اقدام (لازم) تشویق می‌شوند. تأمین مالی: ۹ (۲): سایر طرف‌ها (غیر از کشورهای توسعه یافته) به ارائه یا تداوم در ارائه چنین حمایت‌های به طور داوطلبانه تشویق می‌شوند.</p>	<p>کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای: ۴ (۱۴): در چارچوب برنامه‌های مشارکتی تعیین شده در سطح ملی، در هنگام شناسایی و اقدام در خصوص کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای با توجه به انتشار گازهای گلخانه‌ای از سوی بشر و حذف آنها، طرف‌ها بایستی روش‌ها و دستورالعمل‌های موجود طبق کنوانسیون را به نحو مقتضی مطمح نظر قرار دهند. ۴ (۱۹): تمام طرف‌ها می‌بایست کوشش کنند تا راهبردهای بلندمدت توسعه انتشار گازهای گلخانه‌ای ایجاد و در خصوص آن اطلاع‌رسانی کنند. مخازن: ۵ (۱): طرف‌ها می‌بایست در راستای حفظ و بهبود مخازن و ذخایر گازهای گلخانه‌ای به نحو مقتضی اقدام کنند.</p>

<p>کشورهای توسعه‌یافته عضو</p>		<p>کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای: ۴ (۴): کشورهای توسعه‌یافته عضو می‌بایست از طریق متعهد شدن به اهداف کاهش مطلق انتشار گازهای گلخانه‌ای پوشش‌دهنده سراسر بخش‌های اقتصادی به رهبری خود ادامه دهند. تأمین مالی: ۹ (۳): به عنوان بخشی از تلاش جهانی، کشورهای توسعه‌یافته عضو می‌بایست به رهبری خود در تمهید منابع مالی اقلیمی از منابع مختلفی ادامه دهند. ۱۱ (۳): کشورهای توسعه‌یافته عضو می‌بایست حمایت از اقدامات مربوط به ظرفیت‌سازی کشورهای در حال توسعه عضو را افزایش دهند.</p>
<p>کشورهای در حال توسعه عضو</p>	<p>کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای: ۴ (۴): کشورهای در حال توسعه عضو تشویق می‌شوند که در طول زمان به سمت اهداف کاهش یا محدودیت انتشار گازهای گلخانه‌ای پوشش‌دهنده سراسر بخش‌های اقتصاد در</p>	<p>کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای: ۴ (۴): کشورهای در حال توسعه عضو می‌بایست به افزایش تلاش‌های خود در خصوص کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای ادامه دهند.</p>

	<p>پرتو شرایط متفاوت ملی حرکت کنند . تأمین مالی: ۹ (۵): سایر طرف‌ها (غیر از کشورهای توسعه یافته) که منابع مالی را تأمین می‌کنند، تشویق می‌شوند که چنین اطلاعاتی را به شکل داوطلبانه هر دو سال یک‌بار به اطلاع برسانند.</p>	<p>ظرفیت‌سازی : ۱۱ (۴): کشورهای درحال توسعه عضو می‌بایست به طور منظم پیشرفت انجام گرفته در حوزه طرح‌ها، سیاست‌ها، اعمال یا اقدامات مربوط به ظرفیت‌سازی را به منظور اجرای این موافقت‌نامه گزارش می‌کنند. شفافیت: ۱۳ (۹): و سایر طرف‌هایی که چنین حمایت‌هایی را به عمل می‌آورند، می‌بایست اطلاعات مربوط به تأمین مالی، انتقال تکنولوژی و ظرفیت‌سازی ارائه شده به کشورهای درحال توسعه عضو را ارائه کنند. ظرفیت‌سازی : ۱۳ (۱۰): کشورهای درحال توسعه عضو می‌بایست اطلاعات مربوط به حمایت‌های مالی، تکنولوژیکی و ظرفیت‌سازی مورد نیاز و دریافت شده را ارائه کنند.</p>
--	--	---

۵.۳. مقررات غیرتعهدآور

مقرراتی در موافقت‌نامه پاریس وجود دارد که طبق ضابطه «مشخصه حقوقی» فوق‌الذکر، نه به عنوان تعهدات و نه حتی به عنوان قاعده قابل توصیف‌اند. این طیف مقررات فاقد چارچوب هنجاری هستند که میان طرف‌ها تفاهم ایجاد می‌کند و جزئیات مفصلی در خصوص سیاق عبارت ارائه می‌دهند. چند مورد از چنین مقرراتی در بخش انطباق با تغییرات اقلیمی وجود دارد. برای مثال، در بند ۲ ماده ۷، طرف‌ها تصدیق می‌کنند که انطباق با تغییرات اقلیمی یک چالش جهانی است. در بند ۴ ماده ۷ طرف‌ها تصدیق می‌کنند که نیاز جاری برای انطباق با تغییرات اقلیمی ضروری است. در بند ۵ ماده ۷، طرف‌ها اذعان می‌کنند که اقدامات مربوط به انطباق با تغییرات اقلیمی بایستی یک رویکرد کشور-محور را دنبال کنند. در بند ۶ ماده ۷، طرف‌ها اهمیت حمایت از تلاش‌های مربوط به انطباق با تغییرات اقلیمی را مورد شناسایی قرار می‌دهند. این مقررات به صورت کلی نسبت به «طرف‌ها» اعمال می‌شوند و خط‌مشی و مسیر اجرایی را چه در قالب الفاظ دستوری، توصیه‌ای یا حتی به شیوه‌های ترغیب‌کننده تجویز نمی‌کند. این مقررات چارچوب اطلاعی و اعلانی را ایجاد می‌کنند و اطمینان متقابل در خصوص ماهیت مسائل مورد بررسی، شیوه‌های خاص رویارویی با آنها و دسترسی به حمایت‌ها برای انجام چنین اقداماتی را به وجود می‌آورند. در عمل به چنین مواردی، این مقررات کارکرد اساسی دارند. این مقررات درک مشترک را ایجاد می‌کنند، مبانی و اصول مفهومی مشترک را تأیید می‌کنند و همسبستگی و انسجام را در رویارویی با مشکلات مورد توجه قرار می‌دهند. درحالی‌که چنین مقرراتی معمولاً همسان مقررات اجرایی در یک معاهده نیستند، اما با توجه به بسته پیشنهادی موافقت‌نامه پاریس لازم هستند و در حقیقت برای بسته پیشنهادی پاریس ضروری‌اند.

جدول ۳: مقررات غیرتعهدآور مندرج در موافقت‌نامه پاریس

مقررات آگاهی‌دهنده	مقررات آرمان‌ساز	موضوع / مخاطب
رویکردهای بازار-محور: ۶ (۱): طرف‌ها تصدیق می‌کنند که برخی طرف‌ها خواهان پیگیری همکاری داوطلبانه در اجرای برنامه‌های مشارکتی تعیین	کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای: ۴ (۱): طرف‌ها درصدد هستند تا به حد نهایی انتشار گازهای گلخانه‌ای در کمترین زمان ممکن دست یابند. موضوع / مخاطب: جمعی یا	بدون قید (مطلق) (طرف‌ها یا تمام طرف‌ها)

	<p>مشارکتی) طرف‌ها یا همه طرف‌ها تکنولوژی :</p> <p>۱۰ (۱): طرف‌ها چشم‌انداز بلندمدتی را در خصوص اهمیت تحقق کامل توسعه و انتقال تکنولوژی جهت بهبود تاب‌آوری در تغییرات اقلیمی و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای به اشتراک می‌گذارند.</p>	<p>شده در سطح ملی خود هستند.</p> <p>۶ (۸): طرف‌ها اهمیت در دسترس قرار گرفتن رویکردهای غیربازاری یکپارچه، جامع و متعادل را برای طرف‌ها مورد شناسایی قرار می‌دهند.</p> <p>انطباق با تغییرات اقلیمی:</p> <p>۷ (۲): طرف‌ها تصدیق می‌کنند که انطباق با تغییرات اقلیمی چالشی جهانی است که همه با آن درگیرند.</p> <p>۷ (۶): طرف‌ها تصدیق می‌کنند که نیاز جاری برای تطبیق با تغییرات اقلیمی حائز اهمیت است و اینکه کاهش بیشتر انتشار گازهای گلخانه‌ای می‌تواند نیاز به تلاش‌های بیشتر جهت انطباقی با تغییرات اقلیمی را کاهش دهد و نیازهای بیشتر به انطباقی با تغییرات اقلیمی می‌تواند هزینه‌های بیشتری را برای انطباق تغییرات اقلیمی موجب شود.</p> <p>۷ (۵): طرف‌ها اذعان می‌کنند که انطباق با تغییرات اقلیمی بایستی رویکردی کشور-محور،</p>
--	--	---

		<p>پاسخگو به هر دو جنس، مشارکتی و کاملاً شفاف را دنبال کند.</p> <p>۷ (۶): طرف‌ها اهمیت حمایت از تلاش‌ها برای انطباق با تغییرات اقلیمی و همکاری بین‌المللی در این راستا را مورد شناسایی قرار می‌دهند.</p> <p>زیان‌ها و خسارات:</p> <p>۸ (۱): طرف‌ها اهمیت جلوگیری، به حداقل رساندن و رویارویی با زیان‌ها و خسارات مرتبط با تأثیرات مخرب تغییرات اقلیمی را مورد شناسایی قرار می‌دهند.</p>
--	--	---

نتیجه‌گیری

- موافقت‌نامه پاریس معاهده‌ای است که در چارچوب کنوانسیون وین ۱۹۶۹ در خصوص حقوق معاهدات قرار می‌گیرد و حقوق بین‌الملل بر آن اعمال می‌گردد و اثر حقوقی دارد. اما معاهدات می‌توانند متضمن آمیزه‌ای از مقررات الزام‌آور و غیرالزام‌آور باشند. بنابراین، ضرورتاً تمام مقررات پاریس ایجاد تعهد حقوقی نمی‌کند. این موافقت‌نامه مستقل از کنوانسیون چارچوب نبوده و تابع کنوانسیون است و براین اساس، مقررات کنوانسیون راهنمای تفسیر موافقت‌نامه است و از نتایجی که مغایر با کنوانسیون باشد جلوگیری می‌کند.
- موافقت‌نامه مذکور به دنبال یافتن راه میانه بین پروتکل کیوتو که رویکردی بالا به پایین داشت و توافق کپنهاگ که رویکردی پایین به بالا داشت، آمیزه‌ای از هر دو رویکرد را انتخاب می‌کند. این موافقت‌نامه رویکرد پایین به بالا را به منظور ارتقای انعطاف‌پذیری در تعهدات و مشارکت بیشتر، با رویکرد بالا به پایین قواعد بین‌المللی به منظور افزایش بلندپروازی و پاسخگویی ادغام می‌کند.
- قلمرو اجرایی موافقت‌نامه بسیار وسیع است و حوزه‌های مختلف از کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، انطباق با تغییر اقلیم، تأمین مالی، تکنولوژی، ظرفیت‌سازی و... را دربرمی‌گیرد.
- در بطن موافقت‌نامه، ساختار پاریس مبتنی بر تعیین هدف منحصربه‌فرد آن است و سپس به تعهدی عمومی بر طرف‌ها به منظور انجام تلاش‌ها برای نیل به هدف آن تصریح دارد و این تعهد عمومی را در مقررات موضوعی خاص تبیین می‌کند و به حوزه‌های مختلف از کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، انطباق با تغییر اقلیم، تأمین مالی، تکنولوژی، ظرفیت‌سازی و... توسعه می‌بخشد. ماده ۳ به عنوان مبنای حقوقی و قلب موافقت‌نامه پاریس عمل می‌کند؛ چراکه این ماده پیوندی میان هدف موافقت‌نامه پاریس در ماده ۲ و تعهدات خاص در سایر مواد ایجاد می‌کند و اتخاذ اقدام بلندپروازانه روزافزون را در طول زمان مقرر می‌کند. البته ناگفته نماند که قلمرو وسیع موضوعات، اختلافات بنیادین میان طرف‌ها را ایجاد نمود و در نتیجه مقررات غیرالزام‌آور زیاد گردید.
- تلاش‌ها در چارچوبی حقوقی تعبیه شده‌اند که طراحی آن به نحوی است که هم شامل کشورهای در حال توسعه و هم توسعه‌یافته می‌شود و آنها را مکلف می‌کند که در طول زمان، بلندپروازی فردی و جمعی را افزایش دهند. موافقت‌نامه پاریس اصل تمایز را به شکل نوینی

مطرح می‌کند و تعهدات اصلی را برای تمام طرف‌ها مقرر می‌دارد، درحالی‌که در آن واحد تمایز در مقررات مختلف را به شیوه‌های متنوع مدنظر قرار می‌دهد.

- موافقت‌نامه پاریس دربردارنده آمیزه‌ای از تعهدات سخت، نرم و مقررات غیرتعهدآوری است که به دقت به صورت اصولی درآمده است، اما مرز میان این مقررات نامشخص است. هر یک از این نوع تعهدات نقش متمایز و ارزشمندی را ایفا می‌کنند. تعهدات رفتاری سخت در حوزه کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و تأمین مالی همراه با یک سیستم نظارتی قوی، هسته موافقت‌نامه پاریس را شکل می‌دهد. تعهدات نرم که در سرتاسر این سند در خصوص کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، انطباق با تغییرات اقلیمی و ابزارهای اجرایی پخش شده‌اند، انتظارات همراه با حسن نیتی از طرف‌ها به وجود می‌آورد. در نتیجه، موارد غیرتعهدآور اما غیرمعمول در مقررات اجرایی معاهدات، چارچوب اعلانی و اطلاعی را ایجاد می‌نماید و اطمینان متقابل و مشترک را پیشنهاد می‌کند. آمیزه ظریف و غیرمعمول تعهدات (سخت و نرم) و مقررات غیرتعهدآور- که سال‌ها برای ایجاد آن مذاکره شده بود- برای تحقق موافقت‌نامه پاریس حیاتی بود.

فهرست منابع

منابع انگلیسی

Books

1. Bodansky D, Brunnée J and Rajamani L (2017) *International climate change law*. Oxford University Press
2. Gardiner R K (2015) *Treaty interpretation*. Oxford University Press, USA.
3. Shelton D (2003) ed. *Commitment and compliance: The role of non-binding norms in the international legal system*. Oxford University Press on Demand.
4. Shelton D (2000) 'Introduction' in Dinah Shelton (ed). *Commitment and Compliance: The Role of Non-Binding Norms in the International Legal System*, Oxford University Press.

Articles

5. Abbott K and Snidal D (2000) "Hard and Soft Law in International Governance". *54 Intl Org*.
6. Bodansky D (2016) the legal character of the Paris Agreement. *Review of European, Comparative & International Environmental Law* 25.2.
7. Bodansky D (2016) "The Paris climate change agreement: a new hope". *American Journal of International Law* 110.2.
8. Brunnée J (2002) "Coping with consent: law-making under multilateral environmental agreements". *Leiden Journal of International Law* 15.1.
9. Hare W, Stockwell C, Flachslund C and Oberthür S (2010) "the architecture of the global climate regime: a top-down perspective". *Climate policy* 10.6 (2010).
10. Rajamani L (2016) "Ambition and differentiation in the 2015 Paris Agreement: Interpretative possibilities and underlying politics". *International & Comparative Law Quarterly* 65.2 (2016).
11. Rajamani L (2016) "the 2015 Paris Agreement: Interplay between Hard, Soft and Non-Obligations". *Journal of Environmental Law* 28.2.
12. Ralph B., Lena D. and Matthias D., "the Paris Agreement: Analysis, Assessment and Outlook" (2016), *10 Carbon & Climate Law Review* 18.
13. Rayner S (2011) "How to eat an elephant: a bottom-up approach to climate policy". *Climate Policy* 10.6.
14. Slaughter, A. M (2015) "The Paris approach to global governance". *Project Syndicate* 28.
15. Werksman J (2010) "Legal symmetry and legal differentiation under a future deal on climate". *Climate Policy* 10.6.

16. Wewerinke-Singh M and Doebler C (2016) "the Paris Agreement: Some Critical Reflections on Process and Substance". *UNSW Law Journal* 39(4).
17. Winkler H and Beaumont J (2010) "Fair and effective multilateralism in the post-Copenhagen climate negotiations". *Climate Policy* 10.6.

Documents

18. Decision 1/CP.1, 'The Berlin Mandate: Review of the adequacy of Article 4, paragraph 2(a) and (b), of the Convention, including proposals related to a protocol and decisions on follow-up' (6 June 1995) FCCC/CP/1995/7/Add.1.
19. Decision 1/CP.17, 'Establishment of an Ad Hoc Working Group on the Durban Platform for Enhanced Action' (11 December 2011) FCCC/ CP/ 2011/ 9/Add.1, 2 (Durban Platform)
- Decision 1/CP.17, Establishment of an Ad Hoc Working Group on the Durban Platform for Enhanced Action (UN Doc. FCCC/CP/ 2011/ 9/ Add. 1, 15 March 2012).
20. Decision 1/CP.19, 'Further Advancing the Durban Platform' (31 January 2014) FCCC/CP/2013/10/Add.1, para 2(b).
21. Decision 1/CP.21, 'Adoption of the Paris Agreement' (29 January 2016) FCCC/CP/2015/10/Add.1.
22. FCCC, 'Aggregate Effect of the Intended Nationally Determined Contributions: An Update' (2 May 2016) FCCC/CP/2016/2.
23. United Nations Framework Convention on Climate Change. Secretariat. United Nations framework convention on climate change. UNFCCC, 1992.
24. Vienna Convention on the Law of Law of Treaties (adopted 23 May 1969, entered into force 27 January 1980) 8 ILM 679 (Vienna Convention).

Websites

25. Handl G F, (1988) **A hard look at soft law**. Proceedings of the Annual Meeting (American Society of International Law). The American Society of International Law.
26. Falk R (2016) **Voluntary International Law and the Paris Agreement** (16 January 2016). Found at: <<https://richardfalk.wordpress.com/2016/01/16/voluntary-international-law-and-the-paris-agreement/>>.
27. United Nations Office of Legal Affairs Treaty Section, "**Definition of Key Terms in the UN Treaty Collection**," https://treaties.un.org/Pages/overview.aspx?path=overview/definition/page1_en.xml.
28. Van Asselt H (2016) **International climate change law in a bottom-up world**. <http://www.qil-qdi.org/international-climate-changelaw-bottom-world/>> accessed 24 April 2016.

29. Vidal J (2015) **How a ‘Typo’ Nearly Derailed the Paris Climate Deal.** The Guardian (London, 16 December 2015) <<http://www.theguardian.com/environment/blog/2015/dec/16/how-a-typo-nearly-derailed-the-paris-climate-deal>> accessed 24 April 2016.